

بررسی اسنادی در نقد ساختار اداری در اواخر دوره مشروطه

علی اکبر یزدانی

مقدمه

مدیریت امور اداری در واقع جنبه‌های انسانی سازمان را در بر می‌گیرد، زیرا انسان عامل مهمی در نیل به اهداف سازمان و مدیریت به شمار می‌رود. تحقیقات امروزی بیانگر این واقعیت است که رابطه نزدیکی بین نحوه مدیریت منابع انسانی و امکان رسیدن به اهداف سازمانی وجود دارد از این روست که این مدیریت امروزه به منزله یکی از جریان‌های مهم و حیاتی هر سازمانی محسوب می‌گردد. مدیریت منابع انسانی تخصص ویژه‌ای است که کوشش می‌نماید تا در جهت کسب رضایت کارکنان و تأمین هدف‌های سازمانی گام برداشته و سیاستگذاری نماید.

اسنادی که در زیر معرفی می‌شوند، چند سند مربوط به پیشنهاد آقای محمد توکلی از اهالی شاهرود و صاحب تجارتخانه توکلی به مجلس شورای ملی به سال ۱۳۰۰ راجع به حسن جریان امور ادارات است و یک سند، پاسخ مجلس به پیشنهاد آقای توکلی است. این اسناد مربوط به دوره چهارم می‌باشد که در کارتن ۶۵، پوشه ۷ درمخزن مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

[نشان تاج و شیر و خورشید]

مجلس شورای ملی، به تاریخ ۲۱ حوت ۱۳۰۰، نمره ثبت ۵۶۹۱

عنوان کاغذ: آقای توکلی

از مدلول پیشنهادات شما راجع به حسن جریان امور ادارات استحضار حاصل و سواد مزبوره قابل تمجید

بررسی اسنادی در نقد ساختار اداری در اواخر دوره مشروطه/ علی اکبر یزدانی

و نسبت به هر یک از آنها نبود به خود مطالعات لازمه بعمل خواهد آمد.

۲۱

جمادی الثانیه

مقام مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

با رعایت احترام عرض می‌شود که آدرس بنده در شاهرود م توکلی در تجارتخانه توکلی است اگر پیشنهادات معروضه قابل است غالباً از اینها تهیه و تقدیم دارد و در ضمن مستدعی هستم وصول این سه ورقه که مشتمل بر هفت ماده است برای اطمینان اعلام فرمائید که باعث بر تشکر است در خاتمه موفقیت آن ذات محترم را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

امضاء

محمد توکلی

۱۷ حوت ۱۳۰۰

جواب رسید مواد پیشنهادی با کلمات تشویق

۱۳۰۰/۱۱/۶

این بصاحب مراسله صادر شود.

در اطاق تنفس گذارده شود.

۳ حوت ۱۳۰۰

یعقوب الموسوی

قابل توجه وکلای عظام مجلس مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه

در تمام دنیا رسم است اهالی مملکت به وکلاء خود برای کمک فکری مطالبی می‌نویسند که اگر مطالب پیشنهادی اسباب رفع معایب امور است فوراً اقداماتی بنمایند. لهذا نویسنده از شاهرود با اجازه آزادی قلم مراتب ذیل را به استحضار خاطر وکلاء عظام می‌رساند و مقدمتاً هم عرضه می‌دارد ممکن است این موارد از یک نفر کوچکی تراوش کرده باشد ولی با یک تعمق کامل شاید بد هم نباشد.

ماده اول - راجع به مسئولیت و نظارت مشترکه اعضاء ادارات ولایات نظر به اینکه غالباً احکام و پیشنهادهایی که برخلاف میل اعضاء ادارات ولایات باشد موجب اعتصاب شده ممکن است ضرر به عایدات دولت وارد آورد (چنانکه در قضیه تلگرافخانه مرکز ولایات اخیر مشهود شد) عقیده نویسنده است همانطوریکه وزراء به مسئولیت مشترکه امور مملکتی را انجام می‌دهند و در ولایات اعضاء ادارات هم

بررسی اسنادی در نقد ساختار اداری در اواخر دوره مشروطه/ علی اکبر یزدانی

انجام وظیفه یکدیگر را بدهند زیرا تمام ادارات راجع به این مملکت است مثلاً اجزاء پستخانه اگر آشنایی به مخابره تلگراف باشند و هم‌چنین بالعکس و محاسب مالیات مستقیم در محاسبات مالیات غیرمستقیم و محاسب و دفتر دار عدلیه در اداره اوقاف چندین محسنات برای دولت خواهد داشت. اولاً- در پستخانه و تلگرافخانه چنانچه در زمان بروز مرض آنفلوانزا اتفاق افتاد همه اجزاء تلگرافخانه ناخوش شده چند روزی دستگاهها تعطیل و خسارت کلی متوجه شد در این موقع اگر اجزاء پستخانه به مخابره تلگراف آشنا بودند هم رفع حوائج اهالی می‌شد و هم ضرر به دولت نمی‌خورد. ثانیاً- در ماه وقتی ۱۵ روز محاسب مالیات مستقیم در ادارات ثلاث به نگهداری محاسبات مالیات غیرمستقیم پرداخت و محاسب مالیاتهای غیرمستقیم در اداره محاسبات مالیه محل هم دفاتر یومیه نگهداشته شده هم این دو نفر به مردم چندان آشنا نشده و هم از ترس یکدیگر خطائی نشده در این بین هم عایدات دولت محفوظ مانده و هم دولت دو نفر محاسب قابل تربیت کرده است. ثالثاً- خیلی از عشریه‌های عدلیه و نیم عشریه اوقاف است که وارد دفتر نمی‌شود و در ماه از این راه مبالغی عایدات عدلیه و اوقاف ولایات تفریط می‌شود الان وقتی که وزارت جلیله عدلیه صورت عشریه‌ها را از عدلیه شاهرود بخواند آن مختصری را که رئیس عدلیه با دفتردار صلاح دانسته‌اند که وارد دفتر شود به مرکز صورت می‌دهند و هم‌چنین اداره اوقاف ولی وقتی بنا شود صورت عشریه‌های عدلیه را از دفتردار اوقاف و نیم عشریه‌های اوقاف را از دفتردار عدلیه بخوانند صحیحاً صورت گرفته و داده می‌شود و بعلاوه با این ترتیب که در واقع یک نوع دخالت و نظارتی است رؤسای دو اداره که مرتکب خطا و تقلباتی که الان هستند نخواهند شد.

ماده دوم- راجع به پرسنل اعضاء ادارات- مربوط به قانون استخدام

اولاً در همین شاهرود دیدم احمد نامی مستخدم بود برای عروسی به تهران رفت و گفت نخواهم آمد و استعفای خودش را به اداره مربوطه محلی داد فوراً اداره مزبوره از احمد نامی دیگر که خود را برای کار مستخدم مستعفی حاضر کرده بود مبلغی گرفت بدون آنکه طهران آگاه و مسبوق شود که این احمد آن احمد سابق نیست لهذا برای جلوگیری از این پیش‌آمدها و شناساندن اعضاء ادارات دولتی به مفتشین اعزامی لازم است که از اعضاء عکسی برداشته شده و در دوسیه پرسنلی هر یک آنها ضبط شود ضمناً تا حدی از عکس مزبور سن و درجه لیاقت آن عضو بر اولیاء وزارت خانه هم معلوم خواهد شد.

ثانیاً- مدت مأموریت هیچ مستخدمی در یک نقطه بیش از سه سال طول نکشد و در اداره پرسنل هر وزارت خانه دفتری ترتیب داده شود برای تعویض شغل به این معنی که سال اول اگر منشی برای اداره فلان ولایت اعزام می‌شود سال دویم مأموریت منشی مزبور در همان اداره برود به جای محاسب و سال سوم همین منشی باز برود بجای تحویلدار و همین طور به ولایت دیگر هم همین مستخدم (منشی) که باز مأموریت پیدا می‌کند اداره پرسنل بر حسب حکم وزارت خانه او را به شغل دیگر از قبیل انبارداری و مشاغلی که مربوط به آن وزارت خانه و اداره است بگمارد که این مستخدم پس از چند سال کلیه امور اداری را فرا گرفته باشد که اگر فرضاً به ریاست یک نقطه منصوب شود از کم و کیف و رفتار و زحمات و خطاهای اجزاء

جنس اداره سپرده شده به خوبی مستحضر گردد.

ماده سوم: راجع به معارف

در ضمن ماده معارف عقیده آقای اقبال السلطان بر این بود «که برای تزئید مدارس در ولایات اهالی ولایات باید خودشان محلی پیدا کنند چنانچه در کرمانشاهان هم این ترتیب را معمول داشته‌اند» چون این عقیده مایه هزاران تحسین و تصویر است و برای اینکه کاملاً خاطر و کلاء عظام را مسبوق کنم تا چه درجه ولایات اهمیت به معارف می‌دهند همین قدر پس بطوری که خود آقای اقبال السلطان عبور از شاهرود ملاحظه فرموده‌اند روز ورود پست خواندن روزنامه را اشخاص سواد دار از مراسلات خصوصی و خانواده خود بیشتر اهمیت می‌دهند و غالباً بی‌سوادها شکایت می‌کنند با آنکه عوارض معارف از این ولایت اخذ می‌شود چرا نباید یک باب مدرسه مجانی اکابر در شهر تأسیس شود که اگر روز مشغول کسب و صنعت هستیم شبها به تحصیل علم پردازیم شاید به آنها جواب داده شود مدرسه بودجه کافی لازم دارد اینک معروض می‌دارم سابقاً همین اهالی شاهرود تا مدتی از کلیه بارهای برنج وارده قاطری دو قران الاغی یک قران تحت نظر حکومت‌های سابق تخصیص به مدرسه داده بودند چون حکام وقت از این راه بنای سوء استفاده را گذارند مردم چشم از معارف پوشیده رفته رفته عوارض مزبور تخصیصی به معارف هم از بین رفت حالیه برای حصول به این مقصود و ترقی و تعمیم معارف شاهرود دو راه عملی در نظر است که بودجه معارفی شاهرود تعادل خرج را خواهد کرد اولاً آن عوارض سابق بنام (حق العبور برنج) مجدداً برقرار شود ثانیاً مالیات نقدی شاهرود که بالغ بر پانزده هزار تومان و جنسی دو هزار و دویست خروار بوده حالیه که میرزا نصرالله خان ممیز مشغول تعدیل شده و نسبت به دست آمده مثلاً «در یک بلوک پشت بسطام شده پنج هزار تومان نقد و دویست خروار جنس اضافه شده بدیهی است پس از ممیزی سه بلوک عمده دیگر بودجه معارف شاهرود با اخذ عوارض معارف معمولی و برقراری حق العبور برنج از هر حیث مستغنی و بی‌نیاز خواهد شد.

ماده چهارم: راجع به عدلیه

برای تعیین مبلغ مدعا به واخذ عشریه خوب است مقرر شود احضارنامه‌های اولیه در ادارات مالیه نوشته شود که پس از ختم محاکمه و رأی محکمه عدلیه محلی مجبور شود عشریه را وارد دفتر نموده واصل دوسیه را عوض یا مفقود کرده و متشبت به بعضی اظهارات شود.

ماده پنجم: راجع به حکومت‌های ولایات

در ولایاتی که سر حد و نزدیک به ایلات و عشایر نیست حکومت جز یک ضرر دولت چیز دیگر نخواهد بود زیرا حکومت وظیفه مخصوصی که ندارد انجام بدهد اگر این حکام رئیس بلدیة محل بشوند و حقوق حکومتی را بابت بلدیة دریافت دارند مسلماً به بودجه وزارت جلیله داخله کمک خواهد شد ولی در نقاط نزدیک به عشایر چنانکه یک نفر وکیل محترم اظهار فرموده بودند حکام لازم است زیرا آنها حکومت را اقتدار دولت می‌پندارند.

ماده ششم: راجع به نظمیه

در ولایات عده آژان معلوم نیست حقوق را افراد آژان نمی‌گیرند بلکه رؤسای نظمیه از روی عده امهار

بررسی اسنادی در نقد ساختار اداری در اواخر دوره مشروطه/ علی اکبر یزدانی

جعلی حقوق اخذ و جیب دولت را تهی می‌کنند چون در ولایات انجمن‌های ولایتی تأسیس نشده و حق مسئولیت و نظارت مشترک به ادارات دولتی داده نشده لهذا این معایب روز به روز در ترقی است هرگاه در قانون مقرر فرمایند که در آخر هر برج کلیه مستخدمین ادارات دولتی در حضور رؤسای ادارات دولتی حقوق دریافت نموده و رؤسای مزبوره همگی در آخر صورت حقوق‌ها را تصدیق نمایند سالی مبالغی به دولت منفعت خواهد رسید.

ماده هفتم: راجع به حفظ الصحه

در شهرها اهالی از طبیب، کحال، قابله با علم متخصص محروم و در هر ماه مبالغی از عایدات نواقل حقوق به طبیب‌های محلی داده می‌شود و آنها چون اطلاعی ندارند باعث اتلاف نفوس می‌شوند مگر یک نفر طبیب قابل با علم که تصدیق نامه نخریده باشد و تحصیل کرده باشد در طهران نیست که به این ولایت فرستاده شود.

م توکلی

اسم نویسنده و تاریخ نگارش	نمبر کتاب ثبت ۵۸۹۱
اسم پاك نویس کننده و تاریخ	کارتن / دوسیه /
تاریخ امضای پاك نویس	نمبر های قبل / عدد ضمیمه
 مجلس شورای ملی	
اداره / اداره / تاریخ ارسال (۱) برج / ۱۳۰۱	

قبود مهمه: / تاریخ / لف چه مرسله بتوسط که / مقصد و عنوان پاکت

۱) اینک دول بهارات شامی و چین و ایران و اردانات انصار چهار در برابر در راه تاریخ ثبت بر یک
از آنها بر به خردت هات در بهر خط ام -
پرتال جان علوم انسانی

۱۱

پیام بهارستان / ۲۵، شه، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

ماهی - صاحب - برینتر عفا به اداریت - ربط بر قانون نهاد
 در این شایسته بود و هم عهد نام مستخدم بود برای مورد نظر و رفت و گفته نخواهم آمد و مستغفرا عرض را با دلا در ربط
 معادله قدری اداره زنده از عهد نام دیگر که خورده برای کار مستخدم مستغفرا عرض کرد و در سبب گرفت بدون آنکه آن
 اگامه و مستغفرا که این عهد آن عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 دولتی مستغفرا این عهد است که در عهد بر سبب است و در دوره بر سبب است این عهد است این عهد است
 تا بعد از آنکه بر این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 تربیت داده شد برای تعویض مستغفرا این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 ندی بر این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 دیگر از عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 و در اداره را فراگرفته است که اگر وقت بر این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 اداره برده شد که مستخدم بود

پیام بهارستان / ۳۰، سه، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱
 در عهد ما در عهد حقه آری که این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 معنی پیدا کنند چنانچه در کتاب هم این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 است و برای این عهد که فایده و علاقه است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 پس بطوریکه خود آری که این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 سرود در این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 معرف از این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 کسب و صنعت است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 مستغفرا در عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 تحت نظر حکومت است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است
 را که در عهد مردم است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است این عهد است

۱۳۹۱ / ۱۸ / ۱۳
 ۱۳۹۱ / ۱۸ / ۱۳
 ۱۳۹۱ / ۱۸ / ۱۳

کتابت شد در کلاس خط املا در شهر تهران در روز شنبه ۱۳۹۱ / ۱۸ / ۱۳

در تمام دنیا مردم است که مملکت بر خلاف خود برای کارهای نظایب از نوبت که اگر مطالب پیشین در سبب دفع مصیبت
 از دست فریاد آید نباید از نوبت از شاه فریب با اجازه آزاد قلم برآید زیرا بعضی خفا و کلا و خطام
 میریزد و قصد ما هم موضعه مسدود نموده است این مولا از یک نفر که بیگانه تر از او باشد ولی با یک تعلق کلامی بدین بیان
 ملاحظه - ما حق در مملکت وظیفه است شرکت که همواره از ارباب ولایات

نظر اینکه فدای حکام و پیشین و نایب که در خدمت سایر اعضا در ولایات است و موجب عصبانیت شده است ضرر
 بسیار است و در صورت ورود آورد (یعنی که در قضیه مگر به هر دو روزی خبری نمود) عصبه نرسیده است با نظریه از راه
 محترمت شرکت که امر کلیدی را آنها میدهند در ولایات همواره از ارباب هم انجام وظیفه مگر در این زمان در تمام ارباب
 با هم مملکت است قسداً اخراج و پیشین از اگر است در ضمن مگر باشد و همچنین با لباس و محاسبات است
 در مهابت است غیر مستقیم و محاسب و دفتر در ولایت و اوقات بعدی محسنت است برای دولت خواهد بود
 اوقات در وقت و مگر در این زمان روزی در این روز از اوقات که همه افراد مگر فایده نماند
 حیدر زری در کلاس هم نظیر و محاسب که تقریباً در اربعه مروج اگر اخراج و محاسب مگر فایده نماند
 عواجب که در مملکت در مملکت در مملکت

در تمام دنیا مردم است که مملکت بر خلاف خود برای کارهای نظایب از نوبت که اگر مطالب پیشین در سبب دفع مصیبت
 از دست فریاد آید نباید از نوبت از شاه فریب با اجازه آزاد قلم برآید زیرا بعضی خفا و کلا و خطام
 میریزد و قصد ما هم موضعه مسدود نموده است این مولا از یک نفر که بیگانه تر از او باشد ولی با یک تعلق کلامی بدین بیان
 ملاحظه - ما حق در مملکت وظیفه است شرکت که همواره از ارباب ولایات

نظر اینکه فدای حکام و پیشین و نایب که در خدمت سایر اعضا در ولایات است و موجب عصبانیت شده است ضرر
 بسیار است و در صورت ورود آورد (یعنی که در قضیه مگر به هر دو روزی خبری نمود) عصبه نرسیده است با نظریه از راه
 محترمت شرکت که امر کلیدی را آنها میدهند در ولایات همواره از ارباب هم انجام وظیفه مگر در این زمان در تمام ارباب
 با هم مملکت است قسداً اخراج و پیشین از اگر است در ضمن مگر باشد و همچنین با لباس و محاسبات است
 در مهابت است غیر مستقیم و محاسب و دفتر در ولایت و اوقات بعدی محسنت است برای دولت خواهد بود
 اوقات در وقت و مگر در این زمان روزی در این روز از اوقات که همه افراد مگر فایده نماند
 حیدر زری در کلاس هم نظیر و محاسب که تقریباً در اربعه مروج اگر اخراج و محاسب مگر فایده نماند
 عواجب که در مملکت در مملکت در مملکت

در تمام دنیا مردم است که مملکت بر خلاف خود برای کارهای نظایب از نوبت که اگر مطالب پیشین در سبب دفع مصیبت
 از دست فریاد آید نباید از نوبت از شاه فریب با اجازه آزاد قلم برآید زیرا بعضی خفا و کلا و خطام
 میریزد و قصد ما هم موضعه مسدود نموده است این مولا از یک نفر که بیگانه تر از او باشد ولی با یک تعلق کلامی بدین بیان
 ملاحظه - ما حق در مملکت وظیفه است شرکت که همواره از ارباب ولایات

نظر اینکه فدای حکام و پیشین و نایب که در خدمت سایر اعضا در ولایات است و موجب عصبانیت شده است ضرر
 بسیار است و در صورت ورود آورد (یعنی که در قضیه مگر به هر دو روزی خبری نمود) عصبه نرسیده است با نظریه از راه
 محترمت شرکت که امر کلیدی را آنها میدهند در ولایات همواره از ارباب هم انجام وظیفه مگر در این زمان در تمام ارباب
 با هم مملکت است قسداً اخراج و پیشین از اگر است در ضمن مگر باشد و همچنین با لباس و محاسبات است
 در مهابت است غیر مستقیم و محاسب و دفتر در ولایت و اوقات بعدی محسنت است برای دولت خواهد بود
 اوقات در وقت و مگر در این زمان روزی در این روز از اوقات که همه افراد مگر فایده نماند
 حیدر زری در کلاس هم نظیر و محاسب که تقریباً در اربعه مروج اگر اخراج و محاسب مگر فایده نماند
 عواجب که در مملکت در مملکت در مملکت

پیام بهارستان / ۲۵، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

۱۳۹۱
 امیر محمد زاده
 در این نامه عرض کردم که در این
 بابی که به عرض عرض شد که اگر
 از آن روز برود مگر که در کمال
 بود که اگر در این مورد که
 حال از اینها است و تقدیم دارد و در
 بهم وصول این سه ورقه که
 برای این عمل فرستاده
 در این مورد که در این
 محترم را از فرزند شما تسلیم

۵